

## متن پرسش

با عرض سلام لطفا در مورد ارتباط با نامحرم و حد آن برای دختران جوان و مجرد توضیح دهید اینکه میفرمایند ارتباط زیاد با نامحرم تیرگی و قساوت قلب می آورد، آیا در یک محیط آموزشی نیز همین طور است مثلا من برای اموختن هنر خوشنویسی مجبورم استاد مرد اختیار کنم یا مثلا در محیط دانشگاه برای برخی مطالعه ها و تحقیقات در جمع ما پسران نیز حضور دارند نحوه برخورد باید چگونه باشد؟ اگر یافتن استاد خط خانم برایم مقدور نبود و با رعایت شئون اخلاقی آیا خدا راضی هست با استاد مرد کار کنم؟ ۲- در مورد رهایی از آرزوهای بزرگ و زمان زدگی نقش دعا در این میان چگونه است (دعاهای غیر مآثوره و شخصی) اگر انسان آرزو و خواست را کم و کمتر کند و توکل بر خدا را سرلوحه امور خود قرار دهد دعا و درخواست و برگزاری ختم و امثال آن - که برای رفع حوائج مادی و معنوی بسیار سفارش شده است - چه جایگاهی دارد؟ ۳- اینکه فقط خدا در صحنه است، موثر حقیقی اوست و ... آیا به این معنی است که ما هیچ نقشی در به ثمر رسیدن خواست خداوند نداریم مثلا در امر ازدواج ما نمیدانیم خواست خدا ازدواج ما هست یا نه ولی با این وجود انجام اقداماتی از قبیل زیاد کردن رفت و آمدها و ارتباط با دیگران یا تغییر محل زندگی و .... لازم و عقلانی و از نظر شرعی صحیح است؟ در توحید ناب جایگاهی برای قانون احتمالات وجود دارد؟ مثلا زوجی بچه دار میشوند، جنسیت بچه مشخص شده است ولی در مفاتیح دعایی برای تعیین جنسیت بچه وارد شده آیا با خواندن یک دعا در زمانی که جنسیت معلوم شده است قانون طبیعی که خدا قرار داده عوض میشود و با اتفاقی شبیه یه معجزه جنسیت عوض میشود میدانم که خدای بزرگ می تواند ولی آیا میخواهد؟ قوانینی در جهان حاکم است که از سنت های الهی به شمار می رود برخی می گویند خدا با این قوانین و سنتها جهان را اداره میکند و نمی آید برای یک نفر که دعایی خوانده است برخلاف سنت خود عمل کند نظر شما چیست؟ ۳- آیا در مسئله برطرف کردن حجاب ها و درک حضور و دیدن و مرتبط شدن با حقایق، استعدادها همه یکسان است؟ یا وجود عواملی مانند پدر و مادر و شرایط قبل از تولد و ... در این امر دخیل است یا آنکه کلا انسانها با استعداد متفاوتی در این زمینه به دنیا می آیند بگونه ای که دو نفر در یک شرایط یکسان در دو مرتبه معنوی در نزد خدا یک مقام دارند چون هر دو تا حد امکان و ظرفیت پیش رفته اند یا در مثالی دیگر آیا همه این استعداد را دارند که به مقامی که امام خمینی رسید برسند و نرسیدن فقط به خاطر مسائلی مانند تنبلی نبود آگاهی و شرایط مناسب است؟

باسمه تعالی علیک السلام: در هر صورت اگر بیش از مابتلاء، یعنی آنچه بدان مجبوریم، با نامحرم مرتبط باشیم، جهت روحانی ما مختل می‌شود. بالأخره انسان نیازهایی دارد که با دعاخواندن با خدا در میان می‌گذارد. در دعاهای مادی از خدا می‌خواهد که شرایط زندگی‌اش را در حدّ کفاف قرار دهد تا در امر بندگی مشغول غیر نباشد، که حضرت سجاد«علیه‌السلام» در دعای مکارم‌الأخلاق به زیبایی آن را مطرح می‌کنند. وقتی متوجه شدیم مؤثر حقیقی خدا است، بدون آن‌که خود را به آب و آتش بزنییم در حدّ وظیفه عمل می‌کنیم و به آنچه خدای مهربان برایمان مقدر کرده راضی می‌شویم. شاید چون می‌فرمایند: «بلا ندیده دعا را شروع باید کرد» دیگر وقتی تقدیر الهی واقع شده، جهت دعا باید در رابطه با صالح شدن آن کودک باشد. دعا، خود یکی از سنن الهی است، و لذا با دعا سنتی جای سنتی قرار می‌گیرد. در این‌که همه با فطرتی الهی خلق شده‌اند، شکی نیست، ولی باید توجه داشت که در عین یکسان بودن جهت فطرت‌ها، چگونگی افراد در راستای قرب الهی متفاوت است و محیط و پدر و مادر علت اصلی نیستند. آیت‌الله‌حائری شیرازی«حفظه‌الله‌تعالی» کتابی تحت عنوان «تربیت اسلامی» دارند که در آن مطالب خوبی در راستای جواب به سؤال شما هست. موفق باشید